

# روند صادرات در کشورهای

## در حال توسعه

دکتر غلامحسین عبیری

نقطه قوت این بررسی، آزمون‌های متفاوتی بود که روی کشورهای مختلف صورت گرفت و چون نتایج به دست آمده در خصوص صادرات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، لذا ضروری دیده شد که این نتایج به صورت یک مقاله علمی - کاربردی برای استفاده کارشناسان ارایه شود. مطمئناً هرگونه بررسی بیشتر، منوط به دستیابی به آمارهای بیشتر است که برای پیشبرد و هماهنگ‌سازی سیاستگذاری‌ها با برنامه توصیه می‌شود.

### تاریخچه

در سال‌های دهه ۱۹۳۰، دوایر دولتی در بریتانیا با به عرصه وجود گذاشتن وظایف آنها ارایه خدمات بیمه و کاهش ریسک برای صادرکنندگان انگلیسی بود. لذا تمهیداتی در نظر گرفته شد که چنانچه در حوزه صادرات و واردات بین دو کشور صادرکننده و واردکننده، موضوع پرداخت‌ها با تأخیر صورت گیرد، کارت اعتباری صادرات برای بازرگانان انگلیسی لغو شود. در همین راستا، محدودیت‌هایی هم برای واردکنندگان در نظر گرفته شد و هدف آن‌ها کنترل نرخ مبادلاتی ارز در کشورهای خریدار

سوم و در شرایطی که محورهای خصوصی‌سازی و عضویت در سازمان جهانی تجارت به عنوان ارکان آزادسازی مورد توجه مسولان می‌باشد، نتایج این بررسی همراه با پیشنهادهای کاربردی، با توجه به واکنش‌های ساختار در چارچوب یک مدل رگرسیون، ارایه

○ پس‌این بودن سطح دستمزد و بالابودن نرخ بیکاری در کشورهای در حال توسعه، موجب می‌شود که کشورهای در حال توسعه از طریق تجارت خسار جسی در خدمت کشورهای صنعتی قرار گیرند.

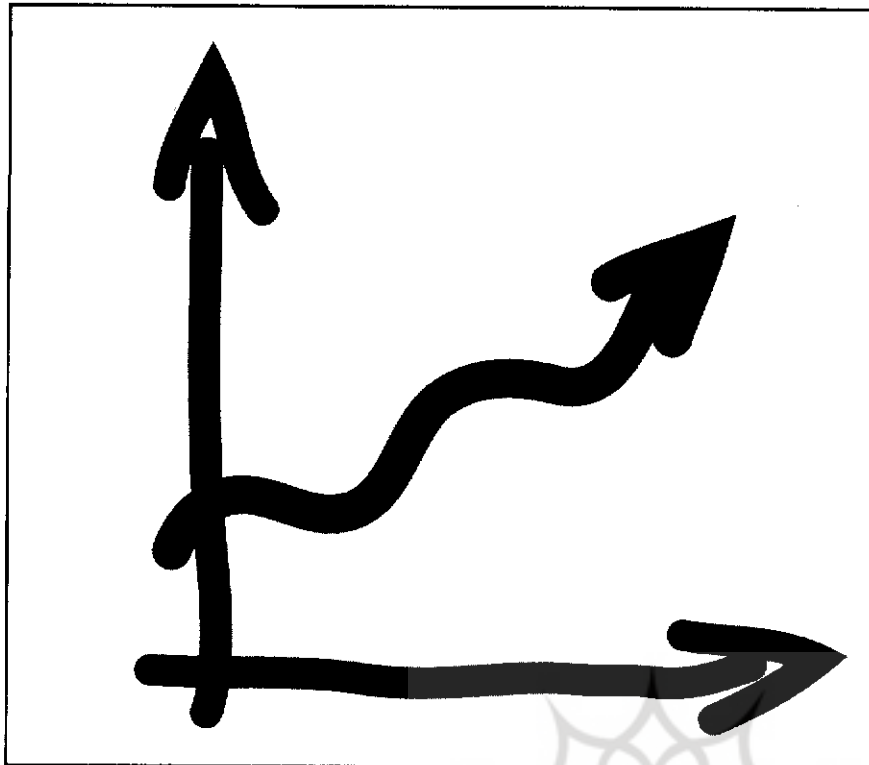
می‌شود. شکی نیست که این مطالعه می‌تواند گامی باشد برای بررسی بیشتر موضوع و دستیابی به نتایجی که ما را در رسیدن به اهداف برنامه یاری می‌دهد.

لازم به یادآوری است که این مطالعه به صورت مقطعی (Cross - Sectional) صورت گرفته و آمار آن مربوط به سال ۱۹۹۸ می‌باشد. ضمناً

### مقدمه

برخورد با مسأله صادرات، به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، از جمله مباحث پیچیده‌ای است که به علت تأثیرات وابسته (Linkage Effects) و تأثیرات تک‌اثری (Multiplier Effects) روی موازنه پرداخت‌ها، همواره برای کارشناسان اقتصادی بحث برانگیز بوده و این پرسش را در مدنظر قرار می‌داده است که چگونه می‌توان از طریق صادرات به رشد اقتصادی دست یافت؟ ضمن آن که باید مشکلات حاصل از این سیاستگذاری را نیز به طور جامع مورد توجه و تحلیل قرار داد. بنابراین، گرچه میزان اهمیت موضوع و شناخت رویه‌های رفتار اقتصادی در میان کشورهای مختلف در این زمینه متفاوت است، با وجود این، تلاشی صورت گرفت تا پدیده صادرات در حوزه کشورهای در حال توسعه و نیمه صنعتی مورد مطالعه قرار گیرد.

از آنجا که نتایج این مطالعه، علیرغم برخورداری این جوامع از ساختارهای متفاوت اقتصادی، از همگنی قابل قبولی برخوردار بود، لذا در آغازین روزهای اجرای برنامه پنجساله



بود. این دوایر دولتی هم چنین، خدمات اعتباری را به صورت یارانه‌ای برای بنگاه‌های اقتصادی صادرکننده در نظر می‌گرفتند تا روند تولید این مؤسسات تا زمان دریافت بهای کالا متوقف نشود و تأمین مالی فوق نیز با جدیت دنبال می‌شد.

سپس در اواخر دهه ۱۹۷۰ بانک‌هایی با منشاء پولی خارجی تأسیس شدند (Foreign Currency Bank) که بتوانند ضمانت اجرایی طرح‌ها را عهده‌دار شوند و صادرکنندگان را تشویق کنند که قراردادهای صادراتی را با نرخ مالی ثابت به واحد پول خارجی - به جای پوند انگلیسی - به انجام رسانده و از بهره پول خود نیز استفاده کنند.

ایالات متحده هم با قدری تأخیر در سال‌های ۱۹۳۷ نسبت به تأسیس بانک صادرات و واردات با همان اهداف حمایت از تجارت خارجی اقدام کرد و امروز با شناور شدن نرخ ارز و فعال شدن بازارها و برداشتن موانع تجاری، موضوع تجارت خارجی شکل و محتوای پویاتری به خود گرفته و همین امر ساختارهای بازار مالی را به مراتب پیچیده‌تر کرده است.<sup>(۱)</sup>

در حال حاضر، آن چه برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، موضوع همبستگی بالای صادرات به واردات است و میزان این همبستگی در برخی از رشته‌های صنعت به بیش از ۹۰ درصد می‌رسد. ضمناً این حقیقت وجود دارد که کالاهای وارداتی در موارد عمده‌ای سرمایه بر بوده و کالاهای صادراتی عمدتاً کاربرند. البته معمای Leontief در خصوص کالاهای صادراتی آمریکا که کاربر است، مطرح می‌باشد و انتظار می‌رود که با فراوانی سرمایه در آمریکا، این کشور بر مبنای نظریه Heckscher-Ohlin کالاهای سرمایه‌بر صادر کند<sup>(۲)</sup> و اساس نظریه H-O در خصوص کشورهای در حال توسعه نیز صادق است. بر مبنای نظریه فوق، کشورهایی که با فراوانی سرمایه روبرو می‌باشند، کالاهای سرمایه‌ای و برعکس کشورهایی که با فراوانی کار روبرو هستند، کالاهای کاربر صادر خواهند کرد.

### بحران صادرات

و اما موضوع بحث برانگیز این است که بیشتر کشورهای در حال توسعه، صادرکننده مواد اولیه بوده و عمدتاً با تخریب محیط زیست، زمینه افزایش صادرات را فراهم می‌سازند، از آن جمله صادرات سیمان، کاشی، نفت، مس، آهن

را می‌توان نام برد. طبیعت این نوع "نگرش صادراتی" پایین بودن سطح دستمزد و بالا بودن نرخ بیکاری است که در واقع، کشورهای در حال

○ امروزه، به علت شناور شدن نرخ ارز و فسخ شدن بازارها و سرداشتن موانع تجاری، موضوع تجارت خارجی شکل پویاتری به خود گرفته و همین امر، ساختارهای بازار مالی را به مراتب پیچیده‌تر کرده است.

توسعه را از طریق تجارت خارجی در خدمت کشورهای صنعتی قرار می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، رابطه مبادله‌ای که بر مبنای یک الگوی غیرمتعادل و متوازن استوار است، در درازمدت نمی‌تواند برای اقتصاد جهانی مفید باشد. اما طبیعی است که منافع کوتاه‌مدت بر درازمدت اولی است و تغییرات وسیع در کل ساختار جهانی، از چنان سرعت بالایی برخوردار است که به جرأت می‌توان گفت که به زودی تمامی محدودیت‌ها از میان خواهند رفت و فرض روند حرکت به سوی برابری قیمت عوامل تولید (Factor Price Equalization) تسریع خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

با وجود این، شناخت وضعیت در کوتاه‌مدت نیز خود حایز اهمیت است و باید بپذیریم که شرایط صادرات بر روند زندگی مردم تأثیرگذار خواهد بود. به دفعات ملاحظه شده است که مردم در کشورهای در حال توسعه نسبت به صادرات مواد غذایی واکنش نشان داده‌اند و همین نارضایتی موجب کاهش صادرات شده است. بنابراین، هر اقدامی در جهت توسعه صادرات می‌بایست با روند افکار عمومی همسویی داشته باشد و دلایل متقن برای امر صادرات ارائه شود، در غیر این صورت، صرف اختلاف قیمت یا بهای مصرفی کالا نمی‌تواند بهانه‌ای برای صادرات به حساب آید. در واقع، این مهم است که ما چگونه مردم را متقاعد سازیم که آزادسازی تجارت به نفع آنان است و در مقابل صادرات، واردات را نیز آزاد کنیم یا به تدریج تعرفه‌ها را از میان برداریم.

بدیهی است که اتخاذ همین دیدگاه نظری در عمل مدیریت اقتصادی هوشمندی بسیاری را می‌طلبد تا بتواند بدون ایجاد هرج و مرج و آشوب‌زدگی کار را به انجام برساند و از بحران‌های مالی و رکود اقتصادی سربلند بیرون آید.

### رابطه تورم و صادرات

تورم یا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها،

همواره با کاهش قدرت خرید مردم روبرو است و همین امر تقاضا را برای مصرف کالاها و خدمات عرضه شده در سال مالی تقلیل می‌دهد، لذا زمینه برای صادرات به سهولت فراهم می‌شود.

معمایی که در این میان لازم است بدان توجه کنیم، قیمت صادراتی کالا است که با توجه به نرخ تسعیر نباید ضرر و زیانی را متوجه مصرف‌کننده داخلی سازد، زیرا همانطور که صادرات برای رشد اقتصادی توصیه می‌شود، واردات نیز برای محوری بودن رفتار مصرف‌کننده از اهمیت برخوردار است.

در این میان، ارزیابی مسأله صادرات از دیدگاه آثار مثبت و منفی آن بر رفتار مصرف‌کننده برای کشورهایی مانند ایران که دارای نظام چند نرخ ارز هستند و طیف تعرفه‌های گمرکی بسیار وسیع دارند، چندان کار ساده‌ای نیست. برای مثال، الگوی عوارض گمرکی برخی از کشورها به گونه‌ای است که واردات برخی از کالاها از مالیات معاف است و ورود کالاهای دیگر نرخ مالیاتی تا ۵ درصد دارد و نهایتاً کالاهای لوکس هستند که نرخ مالیاتی آنها تا ۱۰ درصد قابل افزایش است. از سوی دیگر، گروه کشورهای مورد مطالعه، ساختارهای گمرکی متفاوتی دارند و برخی از آنان هم عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشند.

طبیعی است که سیاست‌های گمرکی به معنی ایجاد مزیت نسبی برای برخی از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است و لذا لازم است که سیاست‌های مالی، از جمله مالیات

**○ موضوع مهم این است که مردم را متقاعد کنیم که آزادسازی تجارت به نفع آنان است.**

بر درآمد و ثروت نیز به شکلی اتخاذ شوند که در نهایت، تعادل موجود در جامعه بهم نخورد و به بروز تشنج و تضعیف برخی از اقشار منجر نشود.

شایان ذکر است که تورم، عملاً در سطح خرد، سیاست‌های فروش کالا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تعادل عمومی بازارها را از میان می‌برد. این پدیده به صورت درون ساختاری در سطح اقتصاد ملی نیز تأثیرگذار است و در سطح اقتصاد جهانی روی نرخ تسعیر بین کشورها نیز

اثیرگذار می‌باشد و تحركات بازار (Market Movements) را کاهش می‌دهد. رابطه معکوس بین تورم و نرخ مبادله ارز به توسعه نظریه برابری قدرت خرید (Purchasing Power Parity) می‌انجامد و این موضوع به علت تغییر شرایط قدرت خرید در رفتار صادرات و واردات کالا عدم توازن ایجاد می‌کند.

گاهی در مسایل اقتصاد تعارضاتی ایجاد

**○ در کشورهای در حال توسعه، افزایش نرخ رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم، موجب کاهش صادرات می‌شود.**

می‌شود که چندان مقبولیت عام ندارد. برای مثال، در ماه مارس ۱۹۹۵ شاخص بهای بازار بورس نیویورک به شدت کاهش یافت و اقتصاددانان معتقد بودند که اشتغال جدید بیش از حد در سطح ۷۰۵ هزار نفر، نرخ بیکاری طبیعی را از ۵/۵ درصد، به ۵/۳ درصد کاهش داده و این عارضه را به وجود آورده است.<sup>(۴)</sup> همین مسأله در خصوص تداوم روند تورم دو رقمی در ایران، باعث شده است که پدیده صادرات کالاهای کاربر روتی نگردد و پایین بودن نرخ بهره‌وری نیروی کار نیز عملاً مکانیسم صادرات را از یک حالت جهشی باز داشته است.

### صادرات و واردات

از مشخصه‌های کشورهای در حال توسعه، وابستگی بالای صادرات به واردات است، به طوری که با کوچکترین کاهش در واردات، روند صادرات نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این پدیده از جهانی وابستگی استعماری به بازارهای جهان صنعتی را نشان می‌دهد و اگر خیلی خوش‌بینانه به بررسی آن پردازیم، همبستگی بالای اقتصاد جهانی را بین کشورهای شمال و جنوب منعکس می‌سازد.

صرف نظر از ماهیت کالاها و نقش بازارهای صادراتی - وارداتی که در برخی از جوامع اشتغال‌زا و در مواردی با تخریب محیط‌زیست روبرو است، معهداً تصویر مناسبی از مزیت نسبی و تجارب ملل را منعکس می‌سازد که چگونه با بررسی بازارها و شناخت رفتار مصرف‌کننده، آمادگی خود را برای حضور در بازارها نشان می‌دهند.

طبیعت صادرات و واردات در ساختار سازمان جهانی تجارت نشان‌دهنده آزادی عمل بنگاه‌های اقتصادی برای تغییر سهم خود در بازارهاست، اما رابطه مبادله کالا حاکی از رضایت مصرف‌کننده در دو سوی جریان مبادله نیست و آشکارترین حالت این نارضایتی را زمانی می‌توانید احساس کنید که به عنوان یک جهانگرد با قدرت خرید معینی وارد بازار آزاد شوید و دریابید که حقوق ماهانه شما معادل هزینه یک شب اقامت در یک هتل چند ستاره است. آنگاه است که نارضایتی از فعالیت اقتصادی، چهره واقعی خود را نشان می‌دهد.

بنابراین، انتظار معقول از صادرات و واردات تنها در آزادی مسأله تجارت خلاصه نمی‌شود، بلکه مطلوبیت و ارزش افزوده واردات می‌بایست با هزینه فرصت از دست رفته کل صادرات برابری کند و در این صورت است که صادرات از توجیه برخوردار خواهد بود.

بدین ترتیب، شفاف‌سازی طبیعت کالاهای صادراتی و وارداتی براساس کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی از یک سو و قرار گرفتن در زنجیره تولید و مصرف از سوی دیگر، می‌تواند مصرف‌کننده نهایی را به سمت اصلاح ساختار مصرف هدایت کند و مسوولیت این موضوع اگر چه می‌تواند با نهادهای دولتی ذریبط باشد، اما مؤسسات اطلاع‌رسانی و تحقیقاتی مستقل نیز می‌توانند در ارایه این خدمات پیشگام باشند و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را به سمت رفتار اقتصادی مطلوب سوق دهند.

در واقع، هدف از صادرات و واردات، افزایش سطح رفاه برای هر دو ملت صادرکننده و

**○ یکی از مشخصه‌های کشورهای در حال توسعه، وابستگی شدید صادرات به واردات است.**

واردکننده است. این موضوع از نظر تئوری اثبات شده، اما در عمل اثبات این موضوع کار دشواری است، به ویژه آن که در برابر صادرات مواد خام از سوی کشورهای جنوب، واردات کالاهای لوکس صورت می‌گیرد. برای درک بهتر موضوع می‌توان قیمت نفت را طی دو دهه گذشته مورد ارزیابی قرار داد: نوسانات شدید قیمت نفت نشان می‌دهد که قدرت‌های انحصاری در بازار به سهولت می‌توانند کمیاب‌ترین کالای موجود در جهان را با نامناسب‌ترین ابزار در معرض خطر

### نتیجه گیری

نتایج رگرسیون به دست آمده نشان می دهد که نظام صادراتی کشورهای در حال توسعه، شدیداً تحت تأثیر حجم واردات است و نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم اگر چه تأثیرات معکوس روی صادرات می گذارند، اما دامنه اثربخشی آنها در کشورهای مختلف متفاوت است. برای مثال، در مورد ایران تا سطح ۲۰ میلیارد دلار واردات، با نرخ رشد اقتصادی ۵ درصد و تورم ۱۰ درصد، میزان صادرات نیز حدوداً ۲۰ میلیارد دلار خواهد بود، اما اگر میزان واردات از مرز ۲۰ میلیارد دلار تجاوز کند، به تدریج خالص موازنه صادرات و واردات منفی خواهد شد.

براساس نتایج به دست آمده، در شرایط فعلی (سال مورد مطالعه) که ایران حدود ۱۴ میلیارد دلار واردات داشته، توان صادرات این کشور ۱۴/۵ میلیارد دلار بوده، اما به علت نیازهای ارزی، صادرات این کشور به ۱۸/۴ میلیارد دلار افزایش یافته، یعنی ۳/۹ میلیارد دلار صادرات اجباری در برنامه سیاست های بازرگانی اعمال شده است، در حالی که در خصوص پاکستان که واردات آن ۱۰/۷ میلیارد دلار بوده، براساس نتایج آماری، توان بالقوه صادرات این کشور با نرخ های رشد و تورم به ترتیب ۵/۲ و ۷/۸ درصد، حدود ۱۱/۳ میلیارد دلار بوده، اما صادرات این کشور ۵/۳ میلیارد دلار بوده است، یعنی این کشور توان افزایش صادرات تا سطح دو برابر وضع فعلی را داشته است. بدیهی است که ساختار متفاوت صادرات ایران و پاکستان باعث شده است که نتایج در این دو کشور کاملاً متفاوت باشد.

### منابع

- 1) Pearce, D.W/1986/ Macmillan Dictionary of Modern Economics/ P.143-4/ Macmillan, R.Book.
- 2) Williamson, J. & Milner, C./1991/ The World Economy / P. 39-41, 46-8 / Harvester Wheatsheaf.
- 3) Kindleberger, C.P./1972/International Economics / P.467 / 5th ed. / N.B.F of Pakistan.
- 4) International Herald Tribune / 1995-March / Stock Market Crisis.

(۵) مراجعه شود به مأخذ شماره ۳/ صفحه ۱۹۴.

نابودی قرار دهند. برداشت نفت از منابع موجود در دریای خزر و تخریب محیط زیست، نشانه های مناسبی از سوء رفتار اقتصادی نسبت به منابع می باشند.

### آزمون تجربی

بررسی های آماری مربوط به داده های کلان اقتصاد بیست کشور در حال توسعه در سال ۱۹۹۸ نشان می دهد که رابطه بین حجم صادرات (X) با واردات (M) و نرخ تورم (P<sup>o</sup>) و نرخ رشد اقتصادی (G) به صورت زیر می باشد:

$$X = 1259 - 567G - 167P^o + 0.94M$$

$$(0/85) \quad (-2/5) \quad (-1/8) \quad (7/8)$$

$$R^2 = 86/1 \quad F = 33/08$$

همانطور که ملاحظه می کنید، سه متغیر G، P<sup>o</sup> و M، ۸۶/۱ درصد از نوسانات مربوط به صادرات را توجیه می کنند. داخل پرانتز هم نتایج آزمون t است و نشان می دهد که نتایج از درجه

اعتماد بالایی برخوردارند. آزمون F نیز نشان دهنده مقبولیت کل رگرسیون چند متغیره فوق می باشد.

رو بهمرفته، روابط فوق نشان می دهند که با افزایش نرخ رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه (کشورهای در حال رشد)، صادرات کاهش می یابد. افزایش نرخ تورم نیز با کاهش صادرات همراه است و واردات و صادرات با یکدیگر افزایش و کاهش می یابند.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بهبود وضع اقتصادی کشورهای در حال رشد، با کاهش صادرات آنان همسو است و آزادسازی تجارت مهمترین عامل افزایش صادرات می باشد، لذا تلاش برای افزایش صادرات با افزایش واردات همراه خواهد بود. جدول شماره یک شاخص های اقتصادی کشورهای مورد مطالعه را در سال ۱۹۹۸ منعکس می سازد.

جدول شماره یک

### شاخص های اقتصادی ۱۹۹۸ کشورهای در حال توسعه

کشورها	صادرات (میلیون دلار)	واردات (میلیون دلار)	نرخ رشد GDP (درصد)	نرخ تورم (درصد)
الجزایر	۱۰۱۲۰	۹۳۰۰	۲	۵
بحرین	۳۲۶۳	۳۵۵۴	-۲/۸	-۰/۴
مصر	۵۱۲۸	۱۶۸۹۹	۵/۷	۳/۶
ایران	۱۸۳۸۱	۱۴۱۲۳	۱/۶	۱۷/۳
اسرائیل	۲۲۹۷۲	۲۶۱۹۷	۱/۹	۸/۶
اردن	۳۸۳۳	۱۷۹۹	۲/۲	۳/۶
کویت	۹۵۸۵	۷۳۳۰	-۲	رقم موجود نیست
لبنان	۷۱۶	۷۰۶۳	۳	۴/۵
لیبی	۷۷۰۰	۶۳۰۰	۱	۲۴
مراکش	۷۲۰۰	۹۷۰۰	۶/۳	۲/۷
عمان	۵۵۰۹	۵۸۲۶	-۱۰/۲	-۰/۵
پاکستان	۵۳۱۱	۱۰۷۰۰	۵/۲	۷/۸
قطر	۴۳۵۵	۳۳۲۷	۰/۳	۲
عربستان سعودی	۳۹۷۷۲	۲۷۵۳۵	-۱۰/۸	۰
سودان	۵۹۶	۱۹۲۵	۵	۸
سوریه	۳۱۳۵	۳۳۰۷	-۲	رقم موجود نیست
تونس	۸۹۸۸	۹۶۵۶	۵	۳/۱
ترکیه	۲۶۹۰۰	۴۵۵۰۰	۳/۸	۶۹/۷
امارات متحده عربی	۳۰۳۶۰	۲۷۲۱۳	-۵/۸	۲
یمن	۱۵۰۱	۲۲۰۱	-۳	۱۱

Source: MEED / 24 Sep.1999 / P.32.